

لَعَدَ / چا : پس / بنابراین

- لَعَدَ باچر تَعَالَ زورنَه
 - لَعَدَ لیش رِحَتو لَلْمَسْبَحِ؟
 - لَعَدَ اشْعَبَاك
- بنابراین، فردا بیا مارو ملاقات کن
پس چرا رفتید استخر؟
پس چی فکر کردی؟

تَرَه: حتماً / همانطور که میدانی / حواست باشه

- خویَه تَرَه آبی ما اَنْحَمَلْ بَرِد
 - تَرَه، لا تَتَأَخَّرْ لِلْبَيْتِ
 - تَرَه ، اَزَعَلْ إِذَا ما اِجِيت
- من نمی‌تونم سرما رو تحمل کنم‌ها
دیر نیای خونه‌ها
حواست باشه ناراحت میشم اگر نیای

صار + ل + ضمائر متصل: مدت زمان / چند وقته که

- صَارِلِي سَنَةً ما مُسَافِرَةً
 - اِنْت شُكِدْ صَارِلِكْ ما جايِ اِلْايران
 - كَمْ سَنَةً صَارِلِجْ هُنَا
- یکساله که سفر نرفتم
تو چند وقته ایران نیومدی؟
چند ساله اینجا بی؟

أَحَدَ / مَحَدَ / لَحَدَ: کسی / هیچ کس

- ماكو أَحَدَ بِالْبَيْتِ
 - مَحَدَ يَسْمَعُ كَلَامِي
 - لَحَدَ يَخَابُرُنِي، أَرِيدُ أَنَامَ
- کسی در خونه نیست
هیچکس حرفمو گوش نمیده
هیچکس بهم زنگ نزنه، می‌خوام بخوابم